

کتبینه های از هنر ایران

تأثیر جلد اباقی

روایت از تاریخ های طلوع ایران و هنر



اردو اسکندری

کتابخانه



کتابخانه میردآشتی
MIRDASHTI BOOKS

هر گونه کپی برداری و یا برداشت آزاد از تصاویر و متن این اثر منوط به اجازه‌ی کتبی
از نویسنده و یا ناشر بوده و قابل پیگیری قضایی می‌باشد.

کتابچہ ہائے ازہر الیوم

تافنہ جلد ابافنہ

روایتے از ترمہ ہائے سلطنتے ایران
وشال کشمیر

آرزو اسکندری

فهرست کتابخانه ملی:
 سرشناسه: اسکندری، آرزو، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: تافته جدابافته: روایتی از ترمه‌های
 سلطنتی ایران و شال کشمیر / آرزو اسکندری.
 مشخصات نشر: تهران: کتابسرای میردشتی، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۲-۷۷-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شال‌ها - ترمه - ایران. Shawls, Termeh-Iran.
 شال‌های کشمیر، Cashmere shawls.
 رده‌بندی کنگره: NK۸۸۷۴
 رده‌بندی دیویی: ۷۴۶/۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۷۳۷۸۸
 وضعیت رکورد: فیبا

تافته جدابافته

روایتی از ترمه‌های سلطنتی ایران
 و شال کشمیر

نویسنده: آرزو اسکندری
 طراح جلد: محمدرضا فراهانی
 صفحه آرای: لیلا افراسیابی
 مدیر تولید: علی زارعی
 لیتوگرافی: فرآیند گویا
 چاپ: عمران
 صحافی: جواهری
 ناشر: کتابسرای میردشتی
 نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۲-۷۷-۴

کتابسرای میردشتی

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، بعد از تقاطع لبافی‌نژاد، نبش کوچه ماستری فراهانی
 پلاک ۱۱، طبقه ۱، واحد ۱ • تلفن: ۰۲۱ ۶۶ ۴۹۰ ۶۶۰ - ۲

www.mirdashtibook.com
 info@mirdashtibook.com
 @ Mirdashti_book

فهرست

۷.....	بررسی شال کشمیر و شال ترمه‌های ایرانی
۱۱.....	فصل ۱: شالبافی در ایران و کشمیر
۲۳.....	فصل ۲: مراحل تهیه شال
۳۱.....	انواع ترکیب‌بندی شال
۳۸.....	شال نقشه
۴۱.....	فصل ۳: بررسی توصیفی شال کشمیر
۴۵.....	دوره مغول (۱۷۵۳-۱۵۸۶)
۵۰.....	دوره افغان (۱۷۵۳-۱۸۱۹)
۵۲.....	دوره سیک‌ها (۱۸۱۹-۱۸۴۶)
۵۵.....	دوره دوگراها (۱۸۴۶-۱۸۷۷)
۵۹.....	فصل ۴: بررسی نقوش شال کشمیری
۶۲.....	بررسی روند تحول موتیف گل در دوران مغول
۶۶.....	بررسی روند تحول موتیف گل‌بته در دوران افغان
۶۸.....	بررسی روند تحول موتیف گل‌بته در دوران سیک‌ها
۶۹.....	بررسی روند تحول موتیف گل‌بته در دوره دوگراها
۷۱.....	فصل ۵: شال ترمه‌های ایرانی
۷۷.....	شالبافی در ایران
۸۳.....	بافت شال ترمه
۸۷.....	نقش و ترکیب‌بندی‌های رایج در شال‌های ایرانی
۱۰۰.....	بررسی نقش بته‌جقه
۱۰۵.....	کاربرد بته‌جقه در منسوجات
۱۰۸.....	کاربرد شال‌های ایرانی
۱۲۵.....	فصل ۶: تأثیر شال‌های شرقی بر مد غربی
۱۳۷.....	رکود شالبافی
۱۴۳.....	منابع:

زین مثل حال من نگشت
که کسی شال جست و دیا یافت
(عنصری)

هنرهای دستی صناعی بی‌بدلیل و ازلی هستند.

بررسی شال کشمیر و شال ترمه‌های ایرانی

شال از جمله هنرها و صنایع دستی فاخر و زیبا، منسوجی است بافته شده از پشم، و در حساب منسوجات گرانبهایی است که ریشه در تاریخی دیرینه دارد؛ هرچند از زمان دقیق بافت آن اطلاعات قابل استنادی در دست نیست، اما در طول تاریخ همواره زینت‌بخش جامه مردمان زمانه بوده و چون آینه بازتابی از هنر و سلیقه، روح و فرهنگ و حتی سیاست زمان محسوب می‌شده است؛ این منسوج در نتیجه سیاست‌های حاکم در هر دوره فراز و نشیب‌های مختلفی را طی کرده است؛ به‌طوری‌که شال گاه آنچنان مورد توجه و حمایت خاص قرار می‌گرفت که با در نظر گرفتن نهایت کیفیت و تزئینات تهیه می‌شد و نشانی از شکوفایی و اوضاع خوب دوران خویش داشت و محبوبیتش تا بدان حد بود که به‌عنوان یک کالای تجاری و حتی سیاسی ارزش پیدا می‌کرد؛ یا برعکس، زمانی تحت فشارهای سیاسی حاکمان بر بافندگان و گرفتن مالیات از آنان، این هنر مهجور می‌ماند. آنچه مسلم است، این بافته نفیس با توجه به اوضاع حاکم، تغییراتی در طرح و رنگ داشته است اما آنچه را که به‌عنوان شال می‌شناسیم، در طول دوران

حیات ماهیت خود را حفظ کرده است. به عبارتی چنانچه ماهیت شال را بسته به جنس و اسلوب کلی طرح و کارکرد آن بدانیم، شال منسوجی است پشمی، بافته شده از کرک بز (کشمیری یا کرمانی یا دیگر بزها) با طرح‌های اصیل که به شکل پوششی روی سر و دور شانه‌ها و یا تن را می‌پوشانده و در این دوران نیز همان است.

خاستگاه شال‌ها ایران و هند است و به‌طور مشخص کشمیر هند و کرمان ایران دو مرکز عمده تولید شال‌های پشمی در جهان هستند که پیش‌تر شال‌های پشمی بسیار نفیس و قیمتی تولید می‌کردند. شال‌ها در هر دو حوزه از پوشاک اصلی مردمان بوده است. نکته حائز اهمیت شباهت‌های بسیار زیاد نمونه شال‌های ایران و هند است که این شباهت‌ها به‌واسطه مراودات و ارتباط این دو حوزه به‌ویژه از دوران صفویه ایران و همزمان با دوره گورکانیان هند معنی‌دار است؛ دورانی که آن را با عنوان «دوران طلایی شالبافی» می‌شناسیم. ضمن اینکه استفاده از شال در دوران بعدتر یعنی اوایل قاجار همچنان مرسوم بود و در اواخر دوره قاجار رو به افول گذاشت که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که برتری دادن هیچکدام از این دو حوزه که هر یک هنری ارزنده را به جهانیان تقدیم کرده‌اند، مسئله این پژوهش نیست.

به‌طور کلی شال‌های نفیس ترمه محبوبیت زیادی داشتند، چنانچه طبقه مرفه غربیان و اروپاییان از جمله فرانسویان از مشتریان دلباخته این شال‌ها بودند و شال تبدیل به بخش فاخر و باشکوه پوشش آنان شده بود. این علاقه باعث شد که بعدتر خود آنها تبدیل به تولیدکنندگان شال شوند. تا زمانی که اروپاییان شال را از شرق تهیه می‌کردند، کسب و کار شالبافی در شرق رونق داشت اما گرانی قیمت آن و تمایلی که بین اروپاییان و حتی مردم عادی برای تهیه شال‌ها به وجود آمد از یک سو و اختراع چرخ ژاکارد توسط یک مهندس فرانسوی در سال

۱۸۱۸- ازسویی دیگر تیر خلاص به شالبافی شرق بود و آن را از پای در آورد. بعد از اختراع چرخ، شال‌های ماشین‌بافت ارزان قیمت که به سرعت و در تعداد بالا تولید می‌شد، جای این هنر دست‌بافت ارزنده را گرفت و از محبوبیت شال کم کرد. در نتیجه متأسفانه به تدریج شالبافی در هر دو منطقه ایران و هند رو به زوال رفت. هرچند شهرتی را که شال کشمیری هند در جهان یافت، شال کرمان ایرانی نتوانست کسب کند، آنچه مسلم می‌دانیم این است که این هنر فاخر بخشی از میراث فرهنگی ماست.

فراموش نشود که شال‌بافی با دست کاری بسیار پرزحمت و وقت گیر بود. تهیه یک شال بسته به نقش آن زمان زیادی می‌طلبید. حتی ممکن بود که چند بافنده تا یک سال و نیم تنها بر روی یک شال وقت و انرژی صرف کنند. در مقابل این کار پرزحمت و کالای با ارزشی که تهیه می‌شد اما دستمزد استادکاران و شاگردانش ناکافی بود و سود به دلالتان شال تعلق می‌گرفت؛ در نتیجه کم‌کم این هنر از دست رفت.

زوال این هنر ارزنده در عصر حاضر، فقدان در خاطر و پیشینه فرهنگی و ذهنی ماست؛ مگر نه اینکه هنر و فرهنگ یک ملت، بخشی از هویت آن است؟! پس وظیفه ماست که هنر و فرهنگ خود را به یاد آورده و آن را احیا کنیم و در حفظ این میراث ارزشمند کوشا باشیم. تلاش برای احیای میراثمان، گامی است به سوی آینده‌ای درخشان، و جمع‌آوری کتاب حاضر تنها قدمی کوچک در این مسیر است. امید آنکه مفید فایده باشد.

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، شناخت شال کشمیری و شال‌های ترمه ایرانی از حیث نقش و ترکیب‌بندی در دوره‌های مختلف این هنر زیبا و فاخر است. روش پژوهش این کتاب، تاریخی-توصیفی، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تصویری است و نگارش آن با رویکرد توصیفی و تحلیلی

انجام گرفته است. در رابطه با موضوع پژوهش چندین اثر ارزشمند وجود دارد که بدانها استناد شده است، از جمله کتاب ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر تألیف رحیم عناویان و ژرژ عناویان، که حاوی کاوش و گردآوری شال‌های بسیار نفیسی است که گویا جمع‌آوری آن حدود نیم قرن طول کشیده، و جای خرسندی است که در این کتاب می‌توان به آن نمونه‌های ارزشمند استناد نمود. کتاب شال کشمیر *The Kashmir Shawl*، کتابیست که فرانک آمز^۱ در سال ۲۰۰۴ تألیف کرده است؛ مؤلف این کتاب، پژوهشگری است که با دقت بسیار سیر تاریخی شال کشمیر را در ۴ دورهٔ حیاتی بررسی می‌کند و تصاویر بسیار خوبی از شال‌های هر دوره را ضمیمه می‌نماید. کتاب پرمایهٔ شال‌های ترمهٔ کرمان (گذشته، حال، آینده)، حاصل کاوش بسیار جامع دکتر ایمان زکریای کرمانی و از اسناد ارزشمندی است که راه برای پژوهش پیش رو هموار کرد. البته مقاله‌های علمی معتبری نیز در این زمینه موجودند که در ادامه بدانها اشاره می‌شود. در این پژوهش آرشیو موزه‌های متروپولیتن و ویکتوریا و آلبرت^۲ نیز به‌جهت دارا بودن نمونه‌های اصیلی از شال‌های کشمیر و شال‌های ترمه‌های ایرانی جستجو شدند و نمونه‌هایی از گنجینهٔ آنها در کتاب با ذکر منبع آورده شد. به این ترتیب تلاش بر این بود تا اسناد و شواهد تاریخی از اسناد و منابع مختلف به شکل منسجم و در غالب یک کتاب جمع‌آوری شود.

1. Frank Ames

2. Metropolitan Museum of Art/ Victoria & Albert

فصل اول

شالباغی در ایران
و کشمیر

فصل ۱

شالبافی در ایران و کشمیر

شال (Shawl) پارچه‌ای است که روی سر یا شانه‌ها قرار می‌گیرد و مردم هند از آن به عنوان لباس سنتی خود استفاده می‌کنند. این واژه از کلمهٔ ایرانی «شال» گرفته شده که به معنای پارچه پشمی نازک است.^۱

شال‌های کشمیر و شال‌های ترمهٔ ایرانی دو منسوج بسیار مهم هستند که شباهت‌های بسیاری با هم دارند. هرچند زمان و محل دقیق ابداع و بافت شال‌ها به‌طور دقیق مشخص نیست؛ عده‌ای معتقدند که این شال‌ها در ایران بافته می‌شد و سپس هندیان به تقلید از ایرانیان شالبافی کردند. همانگونه که پیش‌تر اشاره شد خود کلمهٔ shawl از لغت فارسی شال گرفته شده است. درمقابل عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که این شال‌ها از ابتدا متعلق به هندیان بوده و سپس وارد ایران شده است.^۲ آنچه مسلم است این است که ایران و هند به‌سبب روابط تجاری فی‌مابین ارتباطی دوسویه درمورد شال داشتند. مثلاً بهترین رنگ روناسی که برای شال‌های کشمیر به‌کار می‌رفت، از ایران (با توجه به خاک و املاح مناسب ایران برای کشت آن) وارد هند می‌شد^۳ و سپس شال پس از بافته‌شدن وارد ایران می‌گشت. می‌دانیم که هم ایران و هم هندوستان از زمان‌های بسیار دور در زمینهٔ

1. Panthak, Anamika & Roli Janseen (2003), Pashmina, India: 7.

2. Dhamija, Jasleen & Jyotindra Jain (1989), Hand Woven: 71.

۳. عناویان، رحیم و ژرژ عناویان (۱۳۸۶). ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر، زیر نظر تومویوکی یامانوبه: ۳۳.

پارچه‌بافی مهارت داشتند و تولید این منسوج نفیس را به‌درستی می‌توان به هر دوی آنها نسبت داد.

هرچند برخی بافت اولین شال ترمه را به کشمیر نسبت می‌دهند، ولی در برخی کتب تاریخی آمده است که یکی از شاهزادگان که به‌عنوان گروگان در بار تیمور لنگ به سر می‌برده، این هنر را از ایران به کشمیر برده است. در جای دیگری آمده است: «زین‌العابدین شهریار در سال ۹ هجری بافندگانی را از ایران به کشمیر برد و بافت ترمه را در آنجا رواج و گسترش دادند. موتیف‌های خاص این پارچه که مثل بته‌جقه خاص ایران است، نشان‌دهنده اصالت ایرانی این بافته است»^۱. بعدتر بدان مفصل‌تر اشاره خواهد شد.

باید دانست که هم ایرانیان از شال‌های ترمه برای دور کمر و یا برای شال سر و لباس استفاده می‌کردند و هم مردمان کشمیر^۲، و این نشانی از تشابه فرهنگی در زمینه پوشش است که باعث تولید این شال‌ها در این دو سرزمین شده است. همچنین باید به مراودات و ارتباط این دو منطقه توجه داشت زیرا در انتقال این هنر بسیار تأثیر داشته است. حضور هنرمندان ایرانی در کشمیر به جهت رونق صنعت شالبافی و علاقه پادشاهان گورکانی به هنر و فرهنگ ایرانی و دین مشترک اسلام هم مزید بر علل این علاقه بود. تمامی این موارد گواه تأثیری است که هنر ایرانی بر هنر کشمیر گذاشت.

در کتاب ۵۰۰۰ سال تاریخ نساجی به تأثیر کشمیر از ایرانیان اشاره شده است:

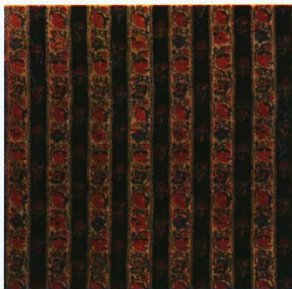
۱. سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). دایره‌المعارف صنایع دستی: ۲۳۳.

۲. کشمیر زادگاه پارچه‌های شمی و شال کشمیری منطقه سرسبزی از ایالت‌های هند، واقع در شمال غرب هند است که در طی تاریخ به دست حکومت‌های مختلفی افتاده و حاکمان مختلفی را تجربه کرده است. نام شال‌های کشمیری از همین نام گرفته شده است. کشمیر در قلب آسیا و در همسایگی پنج کشور پاکستان، افغانستان، روسیه، هند و چین است. این منطقه که در اشغال هندوستان است، در طی هفت قرن گذشته تحت سلطه مسلمانان بوده است. مجاورت کشمیر با ارتفاعات هیمالیا و نزدیکی با تبت، اقلیم منطقه را سرد و معتدل کرده است، از این رو نوع پشم و کرک به‌دست آمده از بزهای این منطقه با مناطق دیگر تفاوت دارد و مرغوب‌تر است.

«کشمیر منطقه‌ای حاصلخیز واقع در هیمالیاست که آشکارا متأثر از هنر ایرانیان در طراحی و تکنیک بوده‌اند».

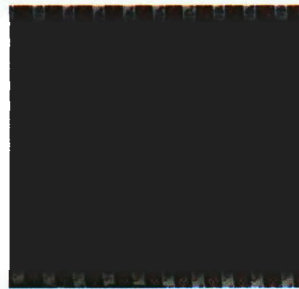
باتوجه به تأثیرپذیری فرهنگی هندوستان از ایران در دوره‌های متفاوت، شاهد شباهت‌های زیادی بین اصول، نقوش و نحوه تولید شال‌های ترمه هستیم و با بررسی نمونه شال‌های کشمیری و ایرانی و نقوش آنها، مشابهت‌هایشان مشخص است. (تصاویر ۱ و ۲)

تصاویر زیر دو نمونه طرح محرمات از شال است که در اواسط قرن ۱۹ در ایران و کشمیر بافته شده‌اند و همانگونه که ملاحظه می‌گردد به لحاظ اسلوب و ترکیب بندی مشابه یکدیگر هستند.



تصویر ۱؛ طرح محرمات ایران
(کتاب ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر)

Image 1: Persian Moharamet
(Image source: Iran and Kashmir's
Royal Kashmir)



تصویر ۲؛ طرح محرمات کشمیری
(آرشیو موزه ویکتوریا و آلبرت)

Image 2: Kashmir's Moharamet
(Image source: The archive of
Victoria and Albert museum)

شال‌های ایرانی که در دوران صفویه تولید شده‌اند، با نمونه شال‌هایی که در دوران حکومت مغولان هند در کشمیر بافته شده‌اند و از نظر تاریخی با صفویان هم‌زمان‌اند، شباهت زیادی در نقوش به‌کار رفته دارند. این مسئله حاکی از تأثیرپذیری هنر بافندگان کشمیر از کار هنرمندان ایرانی است. در تأثیرپذیری شالبافی کشمیر از هنر ایرانی همین بس که لغات فنی شال بافی در کشمیر اغلب فارسی هستند و از این کلمات در کرمان، یزد، خراسان نیز استفاده می‌شود؛ واژگانی همچون: حاشیه / Hashieh، زنجیری / zanjiri، بوته / Boteh، بوته‌کج / Boteh Kaj، محرمات / Moharamet، ماریچ / Marpeech و....^۱



تکه‌ای از حاشیه شال کشمیر و نمونه‌ای از موتیف بته‌ای که بسیار در شال‌ها کاربرد داشته است.

A piece of Kashmir shawl fringe and an example of a boteh motif that has been used extensively in shawls.

Image source: http://www.weavingartmuseum.org/shawls/plate8_m.html

در زمان صفویان با توجه به تأثیرگذاری هنر ایران بر هنر هند نگارهٔ بته‌جقه همراه با نقش‌های قالی و شال ایرانی به هند رفت و بافندگان شال در کشمیر از این نگاره برای آرایش بافتهٔ خود بهره گرفتند و شال کشمیری با نقش بته‌جقه به ایران آمد و بته‌جقهٔ ایرانی به بتهٔ کشمیری و بتهٔ ترمه معروف شد.^۱ البته در این دوره در کشمیر، شال‌های نفیسی تهیه می‌شد که خواهان زیادی در جهان داشت و براساس نمونه‌های موجود، عناصر تزئینی مشترکی از هنر ایران در آنها دیده می‌شود.^۲

نام شال‌های کشمیری از همان منطقه‌ای که این شال در آن تهیه می‌شود، یعنی «کشمیر» گرفته شده است و بدین‌جهت این نوع از شال به نام شال‌های کشمیری شناخته شده‌اند. شالبافی در کشمیر بسیار مرسوم بوده است. شال بخش مهمی از پوشش مردم کشمیر به حساب می‌آید و هم زنان و هم مردان از آن استفاده می‌کنند. کسب و کار اغلب مردم کشمیر نیز در گذشته شالبافی بود. شاه‌کشمیری در رسالهٔ خود در فن شالبافی می‌نویسد: «با اوج رونق و رواج شالبافی در هند و به‌خصوص کشمیر جمعیت قابل توجهی از این راه ارتزاق می‌نمودند».^۳

پارچه‌بافی در ایران پیشینهٔ چندهزارساله دارد و در اسناد گوناگون بدان استناد شده است و نمونه‌های مختلف از آن باقی است. شالبافی در ایران نیز وامدار پارچه‌بافی است که به مرور رونق یافت. عناویان حدود ۵۰ سال در جستجوی شال‌های ترمه ایرانی کاوش کرده است و ماحصل تجربه و دانش و کلکسیون

۱. وکیلی، ابوالفضل (۱۳۸۲). شناخت طرح‌ها و نقشه‌های فرش ایران و جهان: ۷۰.

۲. علاقه‌مندان برای آگاهی بیشتر به مقاله «بررسی تطبیقی نقوش شال‌های ایران و کشمیر» تألیف خانم دکتر فریده طالب‌پور و زهرا تقدس نژاد، فصلنامهٔ مطالعات شبه‌قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۴ (صص ۴۹-۶۸) مراجعه فرمایند.

۳. عطایی، عبدالله (۱۳۸۷). رساله در فن شالبافی نوشتهٔ مختار شاه‌کشمیری، «مجلهٔ آینه میراث»، شماره ۴۰، صص ۳۹۲-۴۱۲.

شال‌های خود را در کتاب ارزشمند ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر را جمع‌آوری نموده است. او معتقد است:

«قرن هفدهم و دوران حکمفرمایی «شاه عباس اول» دوران طلایی هنر پارچه‌بافی ایران است که از همان دوران توجه بسیاری به شال‌ها شده است^۱. همچنین موریس دیمانند، در کتاب راهنمای صنایع اسلامی اشاره می‌کند: «یکی از قسمت‌های ضروری لباس ایرانیان در دوره شاه عباس و زمان بعد از او شال کمر بود که از ایران به شرق اروپا نیز راه یافت^۲».

هرچند پس از حمله افغان‌ها و انقراض حکومت صفوی، بسیاری از صنایع و هنرهای ایرانی مورد آسیب قرار گرفت و دچار افول و تنزل شد، اما صنعت شال‌بافی به‌طورکامل از میان نرفت. در دوران قاجاریه^۳ که مقطع مورد نظر ما در این پژوهش است، شال رواج بسیاری در دربار می‌یابد، به‌طوری‌که شال‌های ترمه به‌عنوان منسوج اصلی دربار قاجاریه شناخته می‌شود که البته دور از انتظار هم نیست، به‌دلیل علاقه شاهان و رجال قاجار به شال، خصوصاً در اوایل قاجاریه، این پوشش رسمی رجال بود و مورد توجه بسیار قرار می‌گرفت. با توجه به همین اهمیت، شال‌بافی جزو پیشه‌ها و صنایع مهم قاجاریان بوده است. لازم به ذکر است که شال‌بافی در مناطق مختلف ایران از جمله در کرمان، خراسان و یزد رواج داشت، اما در این بین شال‌های کرمان به‌خاطر مرغوبیتش، شهرت بیشتری داشت.

در کتاب تاریخ اقتصاد ایران نوشته چالز عیسوی نیز آمده است:

«ایرانیان شال، نمد، پشم و کالاهای پشمی غیر از پشم گوسفند، مرغوز یا

۱. عناویان (۱۳۸۶): ۱۵.

۲. دیمانند، موریس اسون (۱۳۶۵). راهنمای صنایع اسلامی: ۲۴۸.

۳. دوره قاجار در ایران با شروع سلطنت آقامحمدخان (۱۲۰۹ ق/ ۱۷۹۵ م) آغاز شد و هفت سلطنت شاهی را در بر داشت و بیش از یک قرن طول کشید.

کرک تولید می‌کنند. برای تولید شال فقط مرغوز خوب به کار می‌رود. مراکز اصلی تولید شال کرمان و مشهد (شال کرمانی، شال مشهدی) است. شال‌های ایرانی ۳ متر طول و ۱۱/۴ عرض دارد. از نظر طرح و رنگ قابل مقایسه با شال‌های کشمیری است ولیکن از حیث نرمی و دقت بافت بسیار پایین‌تر است. بهترین شال معمولاً ۲۰ تا ۳۰ «دوکات» ارزش دارد، درحالی‌که شال‌های هندی ۲ تا ۳ برابر این قیمت می‌ارزند. به‌طور معمول شال کرمانی ۸ تا ۱۰ دوکات است (هر دوکات حدود ۹ شیلینگ و ۴ پنس ارزش دارد). شال کرمان بسیار عالی است و از نظر کیفیت شبیه شال‌های کشمیری است. مقدار معتنا بهی از شال ایران به استانبول و اسکندریه صادر می‌گردد. در داخل پارچه‌های شال به‌صورت حاشیه بریده می‌شود و برای حاشیه‌بافی پارچه به کار می‌رود. چند سال قبل تولید شال در ایران پیشرفت چشمگیری داشت چرا که امیرکبیر، صدراعظم، تولید آن را مورد حمایت قرار می‌داد و شال‌هایی به ارزش ۵۰ تا ۶۰ دوکات بافته می‌شد. ولی پس از قتل امیرکبیر این صنعت بار دیگر تنزل کرد، تا آنجا که امروز قسمت اعظم پشم کشمیر که قیمتش به شدت در حال ترقی است به صورت خام به هند فروخته می‌شود^۱.

به قول پولاک^۲ «از صنایع مهمی که از گذشته‌های دور در جغرافیای تاریخی ایران رشد و نمو یافت شالبافی بود. بسیاری از صنایع همانند فرش بافی، حریر بافی و... سابقه‌ای دیرینه در ایران دارد. شالبافی نیز از این امر مستثنی نیست. اگرچه در اوایل قاجار شال کشمیری که در هند بافته می‌شد و به ایران وارد می‌شد، بهترین

۱. عیسوی، چالز (۱۳۶۲). تاریخ اقتصاد ایران. ترجمه یعقوب آژند: ۴۱۵-۴۱۶.

2. Jakob Eduard Polak

پزشکی که به دعوت امیرکبیر وارد ایران شد و در دربار ناصرالدین شاه حضور داشت و تجربه سال‌ها اقامتش در ایران را در سفرنامه‌ای روایت و گزارش کرد که از منابع ارزشمند برای بررسی حال و هوای آن دوران است.

و مرغوب‌ترین شالی بود که در ایران وجود داشت^۱».

هنرمندان بافنده دوره قاجار، وارث فنون و شیوه‌های پیشرفته منسوجات ایرانی از دوران قبل هستند. انواع مختلفی از منسوجات ایرانی چون زربفت، اطلسی، مخمل و... از انواع این منسوجات هستند؛ اما شال‌های ترمه با توجه به کاربرد فراوانشان، منسوج اصلی دربار قاجار به شمار می‌آیند. شال‌های ترمه کرمانی در دوران قاجار، همچون شال‌های کشمیری، با توجه با اصالت و مرغوبیتشان، شهرت جهانی داشتند. شال‌های ترمه در دوران ذکرشده از جمله خعلتی‌های دربار بود و با این تعاریف شال در دربار قاجار، کالایی سیاسی و استراتژیک محسوب می‌شد. متأسفانه به تدریج و از اواسط دوره قاجار با ورود منسوجات فرنگی به کشور و از کار افتادن چرخ تولید نساجان و شالبافان و تعطیلی کارگاه‌های بافت، شالبافی در ایران به افول گرایید و از رونق افتاد. این موضوع با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری: ۱۱۱.